جامع شناسی 1-2

در ساده ترین تعریف،جامع شناسی دانش بررسی جامعه است. این علم به بررسی جوامع بشری،بر کنش های آنها و فرایندهایی که جوامع را در وضعیت جاری شان نگاه داشته یا تغییر میدهد می پردازد.علم مذکور تلاش میکند با این هدف با تجربه جامعه به بخش های تشکیل دهنده اش مانند انجمن ها،نهاد ها،گروه های هم جنس،هم نژاد،یا هم سن، و بررسی نحوه ی بر هم کنش فعال این اجزا با همدیگر بپردازد.علاوه بر این ها، این علم موضوعاتی مانند طبقه اجتماعی ،قشربندی،جنبش اجتماعی،تغییرات اجتماعی و بی نظمی هایی مانند جرم،انحراف و انقلاب رامورد تحقیق قرارمی دهد. انسان در مقایسه با حیوانات،کمتر تحت تاثیر و کنترل غرایز می باشد و بخش های زیادی از رفتارهای او توسط ساختار های اجتماعی کنترل می شود.این موضوع ضرورت وجود ارگان از قبیل ارگان های اقتصادی،مذهبی،آموزشی،سیاسی،... جهت مشخص کردن رفتارها و تصمیمات انسان ها را نشان می دهد. جامع شناسی بررسی بخش معینی از جامعه نیست بلکه می تواند جامعه را در مجموع نیز مطالعه کند یعنی می تواند رشته ی خاصی باشد که جامعه را به عنوان واحد تجزیه و تحلیل خود بر میگیرد. وظیفه ی جامع شناسی آن است که کشف کند چگونه نهادهایی که جامعه را تشکیل می دهند با هم ارتباط یافته اند و کدام نظام های اجتماعی آنها را به هم پیوند می دهد.

جامع شناسی ادبیات2-2

جامع شناسی ادبی باید ویژگی پدیده ی ادبی را در نظر داشته باشد و آن را رعایت کند.این جامع شناسی که برای تولید کنندگان کتاب سودمند است باید برای خوانندگان نیز سودمند باشد و به علم ادبی سنتی-چه تاریخی و چه انتقادی- در انجام وظایفش یاری برساند.البته جامع شناسی ادبی به طور غیر مستقیم به این مسائل می پردازد:نقش آن فقط پرداختن به این مسائل در سطح جامعه است.ادبیات در عین هدف بودن می تواند به عنوان ابزاری توانمند برای بررسی سیاست،جامعه و فرهنگ کشور مفید باشد و به منزله ی بستر حیات بخش و شکوفاگر اندیشه ها و حاوی عناصر سازنده ی شخصیت انسان ها بکار بیاید.در کشور ما ادبیات از جمله محتواهای غنی فرهنگ ماست ولی به قول آل احمد(ادبیات هنوز یک شغل نیست و بیشتر یک تفنن است{ولی}تفننی خیلی جدی تر از یک شغل یعنی یک مشغله است و مشغله ای بسیار پر دردسر و شاید هم بد عاقبت)

جامع شناسی ادبیات،جامع شناسی مفاهیمی مانند قدرت سیاسی و اقتدار خانوادگی و ارزش های اخلاقی است،مادی گری و خان سالاری وآرمان خواهی است،خدمت و خیانت،شجاعت و بلاهت،ایثارگری و عوام فریبی و صدها مفهوم دیگر است.جامع شناسی شخصیت های ما هم هست،پدر و مادر،جوان و کودک،زن و مرد و...و همه و همه در ادبیات ما غوطه می خورند.ادبیات به همه نوع کاری می تواند بپردازد،حیطه تاثیر هریک از انواع ادبی را بر شعرهای اجتماعی معلوم بنماید،قدرت شعری ما را در برابر ضعف نمایشی ما بفهماند،غصه ی مارا در قصه ما،عشق ما را در غزل ما و شجاعت ما را در حماسه ما آشکار کند.

جامع شناسی زن در آثار ادب فارسی2-2-1

با آغاز انقلاب مشروطیت و رشد جریان نوین افکار،آگاهی و شعور اجتماعی مردم به طور محسوسی بالا رفته و زنان نیز ضمن اینکه توانستند تا حدودی به کسب سواد و دانش نائل شوند و به واسطه همه گیر شدن بحث های اجتماعی از طریق بحث های خانوادگی و مطالعه ی نشریات مختلف منتشره،آگاهی آنها نسبت به وضعیت سیاسی و اجتماعی عصر خود افزون شد و زنانی که استعداد و قریحه ی هنری داشتند کم کم در صحنه های اجتماعی ظاهر شدند.

اربابان ادب و شعر و صاحبان ذوق و هنر فارسی در طول پیدایش ادبیات و خلق آثار و شاهکارهای ادبی شان در وصف زن و ستایش عشق و زیبایی هایش و قدردانی از مقام شامخ او سخنان بلندی گفته اند و سرتاسر پهنه ادبیات ایران زمین پر است از اشعاری که در ستایش حسن و زیبایی زنان سروده اند.

زن در ادبیات فارسی رسالت های چندگانه ای را برعهده دارد.گاه مظهر عشق و دلدادگی است،گاه معشوق است،زمانی همسر است و در وقتی دیگر در مقام مادری دلسوز و فداکار و مربی تربیتی خانواده،گاه زن مظهر پارسایی و توکل است